

بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین در تحکیم خانواده با تأکید بر منابع اسلامی

نیک محمد خلیلی^۱

چکیده

خانواده، مسئولیت تربیت انسان‌ها را از بعد اخلاقی، روحی و اجتماعی عهده‌دار است. روابط خوب و مناسب در خانواده منجر به تربیت و اعتلای جامعه خواهد شد. توجه فراوانی که در قرآن و سیره معصومان (علیهم‌السلام) به حفظ و گسترش این پیوند و روابط خوب میان زن و شوهر معطوف شده، بیانگر اهمیت ذاتی و حیاتی آن است. پژوهش حاضر درصدد بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) است. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده‌دارند و ازدواج را امری مقدس می‌داند و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند. در این پژوهش اطلاعات و داده‌های موردنیاز به صورت کتابخانه‌ای و از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، نشریات و کتابخانه‌های دانشگاه و مراکز اطلاعات رسانی به دست آمده‌اند. در این پژوهش به بررسی عوامل شناختی، رفتاری و عاطفی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین پرداخته شده است. شناخت زوجین نسبت به یکدیگر زمینه‌ساز زندگی محبت‌آمیز توأم با آرامش برای آن‌ها است. رفتار متقابل زوجین را می‌توان در مواردی همچون حسن معاشرت، فرمان‌برداری و اطاعت از همسر، صبر، مشورت با اعضای خانواده، رعایت ارزش‌های اجتماعی، درست و زیبا سخن گفتن، نظم در خانه و خانواده، همکاری و همدلی، وجود عشق و محبت، رعایت حقوق همدیگر، رعایت حریم عفاف و ... اشاره نمود. در زمینه عوامل عاطفی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین نیز می‌توان مواردی همچون رازداری و وفاداری، مسائل جنسی، سازگاری، رضایت زناشویی، برخورد شایسته، خوش‌صحبتی، قدرشناسی، کسب رضایت و ایجاد آرامش روانی و ... اشاره نمود.

واژگان کلیدی: خانواده، روابط زناشویی، عوامل شناختی، عوامل رفتاری، عوامل عاطفی.

بیان مسئله

ازدواج مانند هر مفهومی ویژگی‌هایی دارد که توسط آن ویژگی‌ها شناسایی و مطرح می‌گردد. کیفیت مداوم روابط یکی از پیش‌نیازهای مهم خلق یک ازدواج ماندگار است. تحقیقات بسیار زیادی صورت گرفته است که رابطه بین متغیرهای این پژوهش را مورد مطالعه قرار داده‌اند که این موضوع بیانگر اهمیت بحث و گفتگو در این زمینه را نشان می‌دهد. ایجاد و دوام رابطه با کیفیت توسط پیوندهای هیجانی خاصی تقویت می‌شود. کیفیت روابط، احساس نزدیکی، تشابه و رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است. باگاروزی^۲، کیفیت روابط را شامل نه بعد صمیمیت هیجانی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، جسمانی، معنوی، زیباشناختی، اجتماعی-تفریحی و زمانی می‌داند. توانایی برقراری و

^۱. دکتری قرآن و علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه. nkmkhalili@gmail.com

^۲ - Bagarozzi

حفظ کیفیت روابط با دیگران به افراد کمک می‌کند با مشکلات ارتباطی کنار آیند و روابطی رضایت‌بخش داشته باشند؛ در حالی که اجتناب از صمیمیت مشخصه افرادی است که روابطشان را کمتر رضایت‌بخش توصیف می‌کنند. از این رو، زوجها باید راه‌های جدید برقراری ارتباط با یکدیگر را فراگیرند تا بتوانند فرضیه‌های اساسی پیونددهنده خود و همسرشان را تغییر دهند. زمانی که زوجها در انجام این امر شکست می‌خورند، صمیمیت و تعهد متقابل گسسته و دل‌زدگی زناشویی، ایجاد می‌شود. در این زمان باید اساس کیفیت روابط زوجها اصلاح شود. اصلاح کیفیت روابط نیازمند بررسی پویایی‌های درون‌فردی و بین‌فردی است. با مروری کلی بر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، مشخص می‌شود که اگرچه پژوهش‌های زیادی درباره کیفیت روابط خانوادگی، صمیمیت و رضایت زناشویی انجام شده است ولی تاکنون پژوهشی در کشور با توجه به دیدگاه روانشناسی و اسلامی به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین با تأکید بر منابع اسلامی انجام نشده است. با این اوصاف، پژوهش حاضر درصدد است تا با اتخاذ رویکرد کیفی، گره از این نارسایی بگشاید. از این رو مسئله این پژوهش بررسی عوامل شناختی، رفتاری و عاطفی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین با تأکید بر منابع اسلامی است.

اکنون پرسش اصلی این است که: عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین از دیدگاه اسلام کدام هستند؟

عوامل شناختی چه نقشی بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام دارند؟

عوامل رفتاری چه نقشی بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام دارند؟

عوامل عاطفی چه نقشی بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام دارند؟

هدف کلی، تعیین و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین از دیدگاه اسلام است و اهداف جزئی عبارت‌اند از:

۱- تعیین و تبیین نقش عوامل شناختی بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام.

۲- تعیین و تبیین نقش عوامل رفتاری بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام.

۳- تعیین و تبیین نقش عوامل عاطفی بر کیفیت روابط زناشویی زوجین از دیدگاه اسلام.

کیفیت روابط زناشویی

خانواده، مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عوامل بسیار مؤثری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده محسوب می‌شوند (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۰) و به‌عنوان یک سیستم شامل زیر منظومه‌های همسران، والدین و فرزندان است. زیر منظومه همسران، اساسی‌ترین زیر منظومه خانواده به شمار می‌رود که تداوم آن منجر به ثبات خانواده می‌شود (ایرنه گلدنبرگ و هربرت گلدنبرگ،

۱۳۹۶). در میان کسانی که ازدواج کرده‌اند، کیفیت زناشویی از مهم‌ترین شاخصه‌ای زندگی مشترک محسوب می‌شود (رجبی، ۱۳۹۷: ۱۸۷-۱۷۲). کیفیت زناشویی مفهومی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بیشترین تحقیقات در حیطه روابط زناشویی بر روی آن انجام شده است (همان). لاورنس^۳ و همکاران کیفیت زناشویی را احساسات کلی همسران از شادمانی و رضایت آن‌ها از زندگی مشترک تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، کیفیت زناشویی یک مفهوم چندبعدی است که شامل تجارب مثبت مانند احساس دوست داشتن، مراقبت و رضایت در رابطه است (همان).

کلام قرآن کریم و گفتار و رفتار معصومان (علیهم‌السلام) در تمامی مراحل زندگی، الگوی بشر برای رسیدن به کمالات انسانی و اخلاقی است و شیوه‌های تربیتی اسلام، به‌ویژه در زمینه همسردهی، می‌تواند سعادت خانواده را تضمین نماید. در طول تاریخ، کارشناسان بسیاری راجع به مسئله هم‌سردهی نظریات خوب و مفیدی ارائه کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۹۳)، ولی بی‌شک، راه‌حل اصلی این مسئله را باید نزد کسانی دنبال نمود که از تمامی ویژگی‌ها و روحیات انسان مطلعند و دید باز و همه‌جانبه‌ای به زندگی انسان‌ها دارند؛ بی‌شک قرآن کریم و ائمه معصومین الگویی مناسب در این امر برای تمامی انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان می‌باشند (احزاب/۲۱). از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) باورها و اعتقاداتی همچون توحید، نبوت و معاد نقش اساسی در بهبود کیفیت و روابط اعضای خانواده دارند. بی‌بهره ماندن برخی از خانواده‌ها از این باورها، در همه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۳۱). اعتقاد به خدا همة رفتارهای زندگی خانوادگی را به‌سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد و اعتقاد به رسالت و نبوت از لحاظ فراگیری تعالیم دینی از اولیای دین و الگوپذیری در زندگی افراد خانواده، نقش اساسی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸). همچنین اعتقاد به سرای پس از مرگ، خانواده را از بی‌معنایی و بی‌هدفی نجات می‌دهد و حلال مشکلات اقتصادی، اجتماعی و ... است و از بدرفتاری و تعدی به حقوق یکدیگر باز می‌دارد (خبرگزاری رسمی حوزه، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۰۰۲۷۴). در سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) رابطه عاطفی و برخورد محبت‌آمیز با همسران بوده است، به‌گونه‌ای که هم خود به آن عمل و هم به دیگران درباره آن سفارش می‌کردند. قرآن کریم و پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) تأکید فراوانی در برخورد شایسته با همسران می‌کنند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و سایر پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) در این مورد بزرگترین سرمشق مردان در برخورد با همسران می‌باشند (نساء/۱۹). سبک پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) در محیط خانواده و اداره محیط آن این بود که مدیریت خانواده به مرد واگذار شود (نساء/۳۴) و زن موظف به پذیرش آن است و در یاری‌رساندن یکدیگر در اداره خانه هم خود عامل بدان بودند و هم دیگران را در این مورد سفارش می‌کردند (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق: ۵۶۶ و ۵۷۸). همچنین اعضای خانواده نسبت به

۳. Lawrence

یکدیگر احساس مسئولیت می‌کردند و در اعمال دینی همانند نماز و روزه مراقبت و مواظبت می‌کردند و در هنگام ورود و خروج از یکدیگر استقبال و بدرقه می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۰۰).

تشخیص جایگاه زن و مرد و تأثیر آن در تحکیم خانواده

اسلام میان زن و مرد از نظر تدبیر شئون اجتماع و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر و مدیریت تساوی کامل برقرار کرده است. دلیل این تساوی هم این است که زن تمام آن حوایج و نیازهایی را دارد که مرد داراست و از این روی، قرآن می‌فرماید: «شما زنان و مردان از جنس یکدیگرید» (آل عمران / ۱۹۵). پس زن و مرد در تمام آنچه اسلام آن را حق می‌داند، برابرند و در مسائل زناشویی و پیدایش و بقای نوع بشر هم هر کس بر اساس اعضای فیزیولوژی خویش نقش خود را ایفا می‌نمایند و کسی بر کسی مزیت ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۹ و ج ۴: ۳۶۲ - ۲۲۹).

در اسلام زن و مرد یار و یاور و مکمل یکدیگرند و تکامل هنگامی حاصل می‌شود که این دو در تعامل صحیح و مجاز یکدیگر را کامل کنند و به فرموده قرآن: (...هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...) (البقره/ ۱۸۷).

بنا بر آنچه بیان شد، نگاه اسلام به زن مبتنی بر انسانیت انسان است و این همان نقطه ضعف گروه‌های مختلف فمینیستی است که جنبه غالب در آن‌ها بحث جنسیت است و به همین خاطر، نه تنها نتوانسته‌اند، مسائل پیش روی زن معاصر را حل و فصل نمایند، بلکه مشکلات و مسائل میان زن و مرد را بحرانی‌تر کرده‌اند. نیک می‌دانیم که زندگی صحنة صلح و جنگ، مهر و خشم و جذب و گریز است و نیز روشن است که زندگی با صلح و مهر و جذب شیرین‌تر است. نکته دیگر اینکه رسیدن به گلستان زیبای صلح و آرامش و مهر و جذب بدون از خودگذشتگی، ایثار و تحمل سختی‌ها محال است. در این میان، زنان به عنوان دختر، همسر و مادر به سهولت می‌توانند از همان آغاز زندگی نهال و بذر زیبای مهر و عطوفت و زندگی با صلح و آرامش را در دل برادران، شوهران و فرزندان بکارند و بارور سازند. اما زن به انجام وظایف یادشده موفق نمی‌شود، مگر با خودسازی، جهاد با نفس و مبارزه با تمایلات شیطانی و هواهای غالب. از این روست که پیامبر (ص) می‌فرماید: «جهاد زن، شوهرداری خوب است» (برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۵).

مدیریت در خانه و استحکام خانواده

تا اینجا شخصیت و جایگاه زن از نگاه اسلام در ابعاد انسانی فردی، خانوادگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که اسلام در هر بُعد نقش‌آفرینی زن را به رسمیت شناخته است و اصلاً تفاوت میان مرد و زن را به لحاظ

انسانی قبول ندارد. در اینجا لازم است به بعضی از آیات پردازیم که برخی از افراد ناآشنا به روح اسلام و قرآن با تمسک بدان‌ها اسلام را مورد حمله و زنان را مورد تحقیر و استثمار قرار می‌دهند تا ضمن تنویر افکار این افراد، جایگاه اسلامی و انسانی زن و شأن و منزلت او در امور خانه و زناشویی روشن‌تر گردد.

قرآن در سورة مبارکه نساء می‌فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که از اموال ایشان (در مورد زنان) می‌کنند...» (النساء / ۳۴). این آیه و نظایر آن هرگز دلیل و نشانه برتری انسانی و فضیلت معنوی مرد بر زن نیست. آنچه در باب تفاوت افراد بیان شده این است که اولاً باید زندگی به نحو مطلوب اداره شود، ثانیاً تا هماهنگی بین افراد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد، زندگی به‌خوبی اداره نمی‌شود. اختلاف استعدادها در پذیرش و احراز مسئولیت‌ها نقش و تأثیر دارند، اما معیار برتری و فضیلت نیستند. مدیریت مرد در خانه، همانند مدیریت در جامعه، از اسباب تقدّم معنوی و برتری در انسانیت نیست، بلکه تنها یک مسئولیت اجرایی است و ممکن است فرد غیر مدیر بسیار در مراتب انسانیت بالاتر باشد.

توانایی مرد در مسائل اجتماعی و امور اقتصادی و تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی بیشتر است و علاوه بر این، تأمین هزینه زن را هم به عهده دارد؛ بنابراین، سرپرستی و اداره منزل به عهد مرد است و این به معنی افضل بودن نیست. افزون بر این، قیّم بودن و مطیع و مطاع بودن در باب زن و شوهر مؤمن به خداست و اطاعت زن در امور خانه از شوهر مطیع خداست. درواقع، اطاعت و پیروی زن از یک چنین مردی اطاعت از خداست. اگر مردی زنش را به معصیت حکم کند، اختیارات او سلب می‌شود. دیگر اینکه این مرد متعهد به حفظ و حمایت از جان و نفس همسر خویش، همانند حفظ جان خود است. از نظر اسلام زن و همسر انسان به منزله جان خود اوست. تعهد اداره امور خود و اهل که همانند جان انسان است، نه تنها توهین و تحقیر نیست، بلکه به دلیل شدّت ارتباط انسان با خود و اهل بیت خویش، تعهد او را دوچندان می‌کند.

زن مؤمن با علم و آگاهی برای حفظ آرامش و جلوگیری از هرگونه تضاد و مبارزه و منازعه در محیط خانه، مدیریت مرد مؤمن، یعنی شوهر خویش را می‌پذیرد. وحدت مدیریت در خانه عقلاً هم خوب است. البته می‌دانیم که مدیریت با دستور الهی و بر اساس آیین‌نامه خدایی غیر از زورگویی و دیکتاتوری است؛ بنابراین، اولاً، قیوم و مدیر بودن مرد مربوط به همسر در برابر شوهر است نه زن در مقابل مرد. ثانیاً این قیومیت معیار فضیلت نیست، بلکه وظیفه است. بدین معنا نیست که زن اسیر مرد خودخواه است. ثالثاً این مدیریت در محور اصول خانواده است. گاهی هم به صلاح دید هر دو طرف این مدیریت متغیّر است، یعنی اداره خانه به عهده زن است یا حتی مرد خانه از او اطاعت می‌کند. همه این‌ها در حدود دین و احکام دینی است.

البته کسی که به همه امور نگاه مادی دارد، نمی‌تواند آن روابط را بفهمد؛ زیرا که معیار او تنها امور دنیوی و مادی است و از نظر او فضیلت تنها با برخورداری از این امور تعیین می‌گردد. درواقع، از نظر آدم مادی افضل کسی است که قدرت، ثروت و شهرت بیشتری دارد. اما اسلام به این گونه امور بها نمی‌دهد و برتری و فضیلت را تنها با ایمان، تقوا و برخورداری از معارف الهی و اعمال صالح در پیوند می‌داند و همچنان مشاهده شد، از این نظر نیز میان زن و مرد تفاوت و امتیاز قائل نیست و هرکسی باتقواتر است، به خدا مقرب‌تر است، حال چه زن باشد، چه مرد.

بخش دیگر از آیه یادشده (النساء/۳۴) که برخی افراد نادان و ناآشنا به سیاق قرآن و روح اسلام به آن تمسک کرده‌اند، حتی زنان را مورد شکنجه و ستم قرار می‌دهند، این است: «... و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت ایشان بیم دارید، پند و اندرز دهید و (اگر مؤثر واقع نشده) در بستر از آن‌ها دوری نمایید و اگر مفید واقع نشد، آن‌ها را تنبیه نمایید) و او را با چوبی همانند چوب مسواک بزنید... البته بدانید که قدرت خداوند بالاترین قدرت‌هاست.

حلّ این مسئله، یعنی نشوز زن نیز همانند مدیریت درون منزل، تنها با نگاه دینی و ایمانی ممکن است. اینکه یک اختلاف در میان زن و شوهر مؤمن به خدا به وجود آمده است، زن از وظیفه واجب خود در برابر شوهر سرباز می‌زند، تمام تلاش مرد خواهان و عاشق همسر و زندگی و آبروی خود و او این است که مسئله را با عقل و تدبیر حل نماید و نمی‌خواهد راز او و همسرش آشکار گردد و چون عناد و لجاجت و منع شوهر از حقّ مسلم خود از جانب زن است، زنی که همسر او و به منزله جان عزیز اوست؛ بنابراین، مرد مأمور و پیش‌قدم است که مسئله را در میان خود به گونه مطلوب حل نماید. در این میان، اگر اندک تندی هم صورت می‌گیرد، دقیقاً برای حفظ زندگی و تداوم عشق است، نه از سر دشمنی و خصومت؛ مانند عمل جراحی بسیار خفیف که برای ادامه حیات است. در داستان حضرت ایوب (ع) و همسرش آمده است: «یک دسته علف نازک بردار و او را بزن» (التور/۴۴). مرد هرگز حق ندارد، همسر خود را طوری بزند که بدن قرمز یا کبود یا سیاه گردد، چون این موارد موجب قصاص و دیه است. اگر بناست او را بزند تا از خواب غفلت بیدار شود و راضی به متلاشی شدن زندگی خود و شوهر نشود، به قول امام باقر (ع) باید تنها «با چوب مسواک» او را بزند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۵).

درواقع، این عمل به هیچ وجه زدن نیست، آن هم کسی را که از سر عشق و محبت دست بر گردنش درمی‌آورد و در آغوش می‌کشد، بلکه این یک تکان است تا او که به دلایل احساس و حالات زودگذر گرفتار عناد و لجاجت است، بر سر عقل بیاید. البته این وقتی است که مرد در حال عقل و هوشیاری و تعادل روحی به سر برد و می‌خواهد برای رفع خطر بیشتر از ضرر کمتر استقبال کند. آیه شریفه هم در مقام جلوگیری از جدایی است. هدف نجات خانواده دردمند و در حال سقوط است. کسی هم نمی‌تواند و صحیح هم نیست که وارد میان آن دو شود. لذا قرآن به شوهر می‌فرماید، مسائل زندگی

را برای همسر عزیز، اما در حال عصبانیت تشریح کن، آثار مخرب را برای او بازگو، خسارات محتمل را برای او تذکر ده و اگر فایده نداشت، او را با هجرت و جدایی موقت آزمایش کن تا شاید تلخی جدایی دائمی را بفهمد و اگر باز موقعیت را درک نکرد، با یک ضرب و زدن بسیار خفیف و کم او را تکان بده تا از اسارت لجاجت و احساسات آزاد گردد و از خودکشی و خانواده‌کشی نجات یابد و این هم به خاطر شدت علاقه‌ای است که مرد نسبت به همسر خود دارد. این ضرب درجایی است که علاج کند و از عاقل صورت بگیرد وگرنه هیچ ارزشی ندارد و اصلاً مجاز نیست، بلکه منفور و مطرود خدا و پیامبر او است.

در حقیقت، در زندگی زناشویی اگر مرد و زن هر دو عاقل هستند و در حالت تعادل روانی به سر می‌برند، هیچ‌وقت مشکلی پدید نخواهد آمد و صلح و صفا بر روابط آنان حاکم است. اگر یکی از آن دو عاقل است و در حال عادی به سر می‌برد (در فرض آیه، مرد) باز با تلاش عاقلانه صلح و سلامت برقرار خواهد بود و اگر هر دو در حالت غیرمتعارف و عدم سلامت روحی به سر می‌برند و نادانی می‌کنند، باید حلّ مشکل را به عاقلان، حاکمان و محکمه بسپارند و این نظر قرآن است (ر.ک؛ النساء / ۳۵).

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در تحکیم بنیان خانواده

طبق بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زوجین از دیدگاه اسلام در سه دسته عوامل شناختی، عوامل رفتاری و عوامل عاطفی تبیین شده‌اند. در زمینه عوامل شناختی باید اذعان داشت که زوجین باید از حقوق یکدیگر شناخت داشته باشند تا تعارضی در زندگی آنان صورت نگیرد. این حقوق گاهی مشترک بوده، بعضی حقوق مختص زن و برخی حقوق نیز مختص شوهر می‌باشند. عامل شناختی دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، شناخت زوجین از وظایف یکدیگر است. وظایفی که گاه مشترک بوده، گاه وظایف مختص زن و برخی وظایف نیز مختص مرد خانواده است. آشنایی اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

در اینجا یک اصل اساسی است که نظام حقوقی بر آن تأکید دارد و آن اینکه هر جا وظیفه‌ای وجود دارد، در کنار آن حقّی هم ثابت است. حقّ و وظیفه از هم جدا نیستند؛ یعنی هر کس حقّی داشته باشد و در مقابل نیز وظیفه‌ای دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد، اما وظیفه‌ای بر او نیست

دیگر عامل شناختی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین، شناخت تفاوت‌های جسمی، جنسی و روانی زوجین نسبت به یکدیگر است. همچنین نیازهای زوجین نیز از موارد مهم محسوب می‌شود. شناخت نیازهای معنوی، مادی، عاطفی، جنسی و ... در بهبود کیفیت روابط زناشویی بسیار مؤثر است. اگر شناخت به‌خوبی صورت نگیرد، منجر به مشکلات و

مسائل گوناگونی در زندگی مشترک خواهد شد؛ عدم درک متقابل، بی‌توجهی نسبت به یکدیگر، غرور و تکبر نابجا، بحث و مشاجره و ... از این مشکلات هستند.

حساسیت محیط خانواده، اهداف بلندمدت و مقدّس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حُسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملاحظت بسازند.

حاکمیت نظم و انضباط در میان اعضای خانواده

در قرآن توصیه‌های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان‌که می‌خوانیم: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا: ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. نیز از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترف هستید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست) (النساء/۱).

اسلام در هیچ‌یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. درواقع، اسلام در تشکیلات خود از رهنمودهای آسمانی مایه می‌گیرد که در آن محدودیتهای قومی، اقلیمی و یا نژادی و امثال آن وجود ندارد؛ زیرا این رهنمودها را باری تعالی وحی و الهام کرده است.

توجه به یکسانی در آفرینش

از مشخصات اساسی در قانون‌گذاری الهی این است که در این‌گونه قانون‌گذاری قانون از اصل توحید نشئت گرفته است؛ به عبارت دیگر، از ارتفاعی فراتر از همه موانع و قیدوبندهایی که در جوامع انسانی وجود دارد و ما امروز به خوبی درمی‌یابیم که همه گرفتاری‌هایی که بشر بدان دچار شده است و تا به امروز با آن‌ها دست‌به‌گریبان بوده، از همین قیدوبندها پدید آمده است (مانند تعصّب‌های نژادی، قومی و اقلیمی و طبقاتی و غیر آن) ما به خوبی دریافته‌ایم که این‌ها موانع و گردنه‌هایی است در راه آدمی که رسیدن او را به سعادت و پیشرفت دشوار می‌نماید (ر.ک؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵). از این روست که همه توجه قرآن به این است که بگوید همه مردم - از زن و مرد - از یک‌تن آفریده شده‌اند.

عوامل رفتاری

عوامل دیگر، عوامل رفتاری مؤثر بر کیفیت روابط زوجین است. برخی از این عوامل جنبه فردی داشته و هر شخص به‌تنهایی باید آنان را تقویت نماید؛ عواملی چون توکل بر خدا، صبر، درست و زیبا سخن گفتن، حُسن معاشرت. برخی از عوامل رفتاری نیز به‌صورت گروهی و خانوادگی باید رعایت شوند تا موجب بهبود کیفیت زندگی در خانواده شوند؛ نظم اعضای خانواده، مشورت در خانه، همکاری و همدردی، پای بندی به حقوق همسر، وجود عشق و محبت از جمله این موارد می‌باشند.

۱. وجود همکاری و همدردی

همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشا نگردد. از این رو، نخست از تقوای خدایی سخن گفت و آن را مرکز سازمان و سامان اجتماعی قرارداد، سپس به بیان اهمیت خویشاوندان و نزدیکان پرداخت. تعبیر قرآن در عبارت «تَسَاءَلُونَ بِهِ» بدین معنی است که خدا مقیاس نهایی و آخری است که می‌توان آن را مرکز تعاون اجتماعی قرارداد. پس هرگاه یکی از دیگری چیزی بخواهد و نداند که آن را برآورده می‌سازد یا نه چگونه می‌تواند به اثبات رساند که آنچه خواهد گفت درست است یا دروغ می‌گوید. در اینجا راهی نیست، جز آنکه به خدا سوگند خورد و ضمیر و فطرت مؤمن او با خداوند مشورت کند و از خود برای خود نگرهبانی قرار دهد. جامعه انسانی که از ایمان بهره یافته، می‌تواند میان فرزندان خود بر اساس عدالت و مساوات، تعاون حقیقی ایجاد کند، ولی اگر جامعه ایمان نداشته باشد، هرگونه سازمان و سامان چیزی جز نقشی بر روی کاغذ نخواهد بود که بازیچه دست مردم است؛ همانند تویی در دست بازیکنان (ر.ک؛ همان: ۱۷). از اینجا است که می‌گوییم باید جامعه اسلامی بر بنیان ایمان و تقوی بنا شود: (...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا: ... هرآینه خدا مراقب شماست).

۲. مشورت کردن با یکدیگر

یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوِرَةِ: هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج البلاغه / ح ۵۴). در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی آن‌هایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن در زندگی امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) به چشم می‌خورد.

۳. حُسن معاشرت، تضمین‌کننده تحکیم خانواده

حکما در حکمت عملی، تدبیر منزل را بر سیاست مُدُن مقدّم می‌دانند و البتّه تهذیب اخلاق بر تدبیر منزل نیز مقدّم است. در حکمت عملی، اوّل فرد را مهذب می‌سازند تا خانواده‌ای بنا کنند و به تبع آن، خانواده‌های تدبیر یافته و سامان گرفته جامعه‌ای زنده و سالم بسازند. جامعه سالم و زنده با صنعت و ماشین به دست نمی‌آید، بلکه مناسبت‌های اخلاقی و روابط حسنة الهی سازنده جامعه سالم و زنده است. ویل دورانت می‌گوید: «در میان جنگ‌ها و ماشین‌ها چنان غرق شده‌ایم که از درک این حقیقت بی‌خبر مانده‌ایم که در زندگی، واقعیت اساسی، صنعت و سیاست نیست، بلکه مناسبت‌های انسانی و همکاری افراد خانه از زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است» (ر.ک؛ دورانت، ۱۳۷۱: ۸۱ - ۶۵).

از ویژگی‌های انسان، تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت، جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار ندارد، چراکه خلقت انسان بر اساس عشق و محبت است و همین بهترین انگیزه او در هرگونه تلاشی است. گرچه انسان عموماً در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می‌رود، اما عشق‌های صوری یا حتّی باطل هم این خاصیت را دارند که انسان را به تکاپو وادارند و امیدوار و مجذوب کنند. خداوند متعال رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی را در خانواده با «حُسن معاشرت» معرفی می‌فرماید و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد: (...وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا: ... و با آن‌ها سخن شایسته بگویید) (النساء/ ۵)؛ (...وَعَا شَرُّهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ: ... و با آنان به گونه شایسته رفتار کنید...) (همان/ ۲۱).

حُسن معاشرت در خانواده، در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود و «تعبیر حُسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود، نشان‌دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در «نفقه» همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در «حُسن معاشرت» همه نیازمندی‌های روحی او» (بهشتی، ۱۳۶۱: ۱۵۳).

عوامل عاطفی در خانواده

حاکمیت مهر و محبت میان اعضای خانواده انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروی احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسئله، به‌ویژه از سوی کسانی که باهم اُنس و الفتی دارند، باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است.

درواقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. امام صادق (ع) بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده است و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است مسلمانان در یاری بر مهر ورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزوجل فرموده است: (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۹۶).

مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است. امام سجّاد (ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حقّ همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حقّ تو بر او بیشتر است، اما حقّ او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (حرّانی، ۱۳۶۳: ۲۶۲).

علاوه بر همدلی و همراهی تقدّس حقّ شوهر بر زن چنان والا است که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله قرار گرفته، چنان‌که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو همسررداری کردن است» (نهج البلاغه / ح ۱۳۶).

عوامل عاطفی نقش بسیار مهمی در کیفیت روابط زوجین دارند. بالاخص در مورد زنان که روحیه لطیف و احساسات بیشتری دارند و نیاز به نگاه عاطفی بیشتری دارند. امروزه متأسفانه با مقوله‌ای به نام طلاق عاطفی روبرو هستیم. به این معنا که زن و شوهر از یکدیگر جدا نمی‌شوند و زیر یک سقف و در یک خانه زندگی می‌کنند، اما اثری از عاطفه و مهر و محبت زناشویی در این زندگی دیده نمی‌شود. بسیار دیده می‌شود که زوجین با یکدیگر سخن نمی‌گویند، روابط عاطفی و جنسی برقرار نمی‌نمایند و اثری از عشق و محبت در میان آنان دیده نمی‌شود.

از منظر اسلام، اخلاق و معنویت نقش اساسی و بنیادین در زندگی مشترک را ایفا می‌کند و مسائل مادی نقش ابزار و وسیله جنبی و کمکی را در زندگی بر عهده دارد. در سایه اخلاق نیکو و ایمان، دیگر ابعاد زندگی معنا پیدا می‌کند. اظهار عشق و محبت نسبت به همسر و اینکه زوجین در رفتار و گفتار ثابت نمایند که همدیگر را دوست دارند و این علاقه حقیقی و بدون هیچ شائبه‌ای است، از نکات ظریفی است که اسلام به آن تأکید بسیار دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۶۹ و ۶۴۴؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۳: ۵۵۶). محبت در زندگی و مطلع ساختن طرف مقابل از این مودّت، بخصوص در مورد بانوان که از عواطف فوق‌العاده لطیفی برخوردارند، نقش معجزه‌آسایی در شادابی و استحکام روابط زناشویی دارد (نجفی یزدی،

۱۳۸۳: ۷۳ و ۷۴). از نکات حائز اهمیت دیگر، آینده‌نگری و فراموش کردن گذشته، به‌ویژه اشتباهات میان زوجین است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی عوامل شناختی، رفتاری و عاطفی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین پرداخته شده است. شناخت زوجین نسبت به یکدیگر زمینه‌ساز زندگی محبت‌آمیز توأم با آرامش برای آن‌ها است. رفتار متقابل زوجین را می‌توان در مواردی همچون حسن معاشرت، فرمان‌برداری و اطاعت از همسر، صبر، مشورت با اعضای خانواده، رعایت ارزش‌های اجتماعی، درست و زیبا سخن گفتن، نظم در خانه و خانواده، همکاری و همدلی، وجود عشق و محبت، رعایت حقوق همدیگر، رعایت حریم عفاف و ... اشاره نمود. در زمینه عوامل عاطفی مؤثر بر کیفیت روابط زوجین نیز می‌توان مواردی همچون رازداری و وفاداری، مسائل جنسی، سازگاری، رضایت زناشویی، برخورد شایسته، خوش‌صحبتی، قدرشناسی، کسب رضایت و ایجاد آرامش روانی و ... اشاره نمود.

برای ایجاد یک زندگی توأم با آرامش و رضایت‌بخش، راهکارهایی وجود دارد که با به‌کارگیری آن‌ها می‌توان از مشکلات احتمالی پیشگیری نمود. بررسی علل و عوامل تحول در روابط زوجین این نتیجه به دست آمد که تحول در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشترین سهم را در موضوع موردبحث داشته است. البته از این نکته نباید نتیجه گرفت که تنها راه اصلاح وضعیت موجود، تحول در ساختارهاست. اگرچه ساختارها تأثیر تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری وضعیت جدید داشته‌اند؛ اما نباید حل مسئله را به راه‌حلهایی درازمدت و گاه غیرمقدور موکول نمود که نتیجه عملی آن اذعان به چاره نداشتن در وضعیت موجود و پذیرش تسلط آن باشد. نظام تربیتی اسلام بر اراده آزاد انسان‌ها مبتنی شده و فرد را نسبت به وضعیت خود مسئول شمرده است. این راهکارها به دودسته فردی و اجتماعی تقسیم شده که در ابتدا توصیه‌هایی به زوجین و سپس به نهادها و سازمان‌های مرتبط ارائه گردیده است.

الف) فردی

یکی از مشکلات عمده زوجین عدم آشنایی آنان با خلیات و رفتار جنس مخالف است؛ بنابراین توصیه می‌شود زوجین اطلاعات و دانش خود را نسبت به یکدیگر و روحیات همدیگر افزایش دهند. مراجعه به مشاوران توانا که در کنار علم روانشناسی و خانواده، به مباحث دینی و اسلامی نیز آشنایی دارند، از دیگر موارد مهم در این زمینه است.

ب) اجتماعی

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و فضای مجازی و همچنین در دسترس بودن وسایل ارتباطی، مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر خانواده‌ها شده است. از طرفی دوری زن و شوهر از یکدیگر و از سویی، دوری و تنهایی فرزندان، از مسائل مهم و خطیر است. لذا به خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود که معاشرت‌ها و روابط مجازی را کنترل نمایند به طوری که به بنیان خانواده لطمه وارد نشود.

در این زمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی به‌عنوان یک نهاد علمی می‌توانند با تدریس مطالبی پیرامون کنترل روابط مجازی، شناخت زوجین و رسیدن آن‌ها به آرامش، آگاهی لازم را به دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به این مسئله بدهند و راهکارهای عملی و مهارت‌های لازم و به‌روز را جهت به‌کارگیری در زندگی مشترک، آموزش دهند. مسئولیت آموزش‌های مربوط به روابط زن و شوهری بر عهده نهادهای رسمی و غیررسمی از جمله آموزش و پرورش، حوزه‌های علوم دینی و نهادهای تبلیغی، سازمان‌های مردم‌نهاد و خانواده‌ها سنگینی می‌کند. آموزش تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و بهبود کیفیت زندگی از منظر اسلام، از جمله مهمترین این موارد است. ارائه مبحث خانواده در اسلام مشتمل بر اهمیت و جایگاه خانواده، مسئولیت اعضا در قبال استحکام و کارآیی خانواده، انتظار از ازدواج، نقش‌های جنسیتی در خانواده و اخلاق و حقوق خانواده هم از موارد قابل‌ارائه است. بسیار دیده می‌شود که مسائل خانوادگی و مشاوره‌ها صرفاً از نوع غربی بوده و مسائل و ملاک‌های اسلامی در آن نقشی ندارد؛ حال آنکه اسلام کامل‌ترین دین در جهان است و برای تمامی شرایط و مسائل، راهنمایی‌های مفیدی ارائه داده است.

قرآن کریم

- ۱) ایرنه گلدنبرگ، هربرت گلدنبرگ (۱۳۹۶). خانواده درمانی. مترجمان: حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی، الهام ارجمند. تهران: نشر روان.
- ۲) بهشتی، احمد. (۱۳۶۱). خانواده در قرآن ۳. قم: انتشارات طریق القدس.
- ۳) تفسیر هدایت. (۱۳۷۷). گروه مترجمان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴) جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸). نگرش گذرا به مقام زن در جهان آفرینش. تهران: مؤسسه انتشارات هادی.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- ۶) حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه. تحقیق و تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی. ۳۰ جلد. قم: انتشارات آل البيت (علیهم السلام).
- ۷) حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرّسین.
- ۸) دورانت، ویل. (۱۳۷۱). لذّات فلسفه. ترجمه عباس زریاب. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ۹) رجبی، غلامرضا؛ کاوه فارسانی، ذبیح‌الله؛ امان الهی، عباس؛ خجسته مهر، رضا (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های کیفیت زناشویی زوج‌ها: یک پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت.
- ۱۰) ساروخانی، باقر (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ ۱۸، تهران: سروش.
- ۱۱) صادقی، مسعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سیداحمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۳). تدوین مدل خانواده سالم به روش پژوهش آمیخته اکتشافی. روانشناسی خانواده.
- ۱۲) صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۱۳۸۷ ش)، من لایحضره الفقیه، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- ۱۳) طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرّسین.
- ۱۴) طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ ش)، مکارم الاخلاق، چاپ ۴، قم: نشر الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۵) طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۴ ق.). مکارم الأخلاق. چاپ اول. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۶) کلینی، محمد (۱۳۶۵). اصول و فروع کافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ۱۷) نجفی یزدی، محمد (۱۳۸۳). ازدواج و روابط زن و مرد. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ششم.